

دانشگاه آزاد، پروژه‌ای ناکام و ابتر

گفتگوی رادیو دویچه وله با مهرداد درویش پور 

دانشگاه آزاد توانسته آموزش عالی را همگانی کرده و امتیاز تحصیل عالی را از "الیت طبقه متوسط" به گروه‌های محروم‌تر توزیع کند... با این همه دانشگاه آزاد از نظر کیفی حتی قادر به رقابت با دانشگاه‌های دولتی ایران نیست چه برسد به دانشگاه‌های جهانی.

جمعه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۱

دویچه وله: هاشمی رفسنجانی هدف تاسیس دانشگاه آزاد را تحقق رویای قشرهای فرودست در طی مدارج تحصیلی و اجتماعی خوانده اما به نظر می‌رسد کیفیت نازل آموزش، شهریه بالا و عدم جذب دانش‌آموختگان در بازار کار، این هدف را قلب کرده باشد.

دانشگاه آزاد ایران دو سال پس از انقلاب فرهنگی و در اردیبهشت ۱۳۶۱ به پیشنهاد علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی تاسیس شده است. در اساسنامه این دانشگاه آمده که تامین هزینه‌های آن با اتکاء به کمک‌های مردم، دولت، نهادهای انقلاب اسلامی و شهریه‌های پرداختی خواهد بود.

آیت‌الله خمینی از حامیان تاسیس دانشگاه آزاد بوده و آن‌گونه که هاشمی رفسنجانی می‌گوید یک میلیون تومان کمک مالی به این نهاد کرده است. این دانشگاه بنا بر اساسنامه خود موسسه‌ای عام‌المنفعه معرفی شده که همه هزینه‌های آن صرف امور مربوط به خودش می‌شود. اعلام موجودیت رسمی این دانشگاه در چهارم اسفند ماه ۱۳۶۱ در روزنامه‌های رسمی ایران منتشر شد.

دانشگاه آزاد اسلامی طی سی‌سال گذشته بیش از ۳ میلیون دانش‌آموخته داشته و با ۴۴۱ واحد و مرکز دانشگاهی، رفاهی، اداری و بیمارستانی در فضایی متجاوز از ۱۴ میلیون متر مربع، بزرگ‌ترین مجموعه آموزشی ایران معرفی می‌شود.

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای تفصیلی با ماهنامه "مدیریت ارتباطات"

در بهار سال ۱۳۹۰ به ذکر خاطرات خود از چگونگی تاسیس دانشگاه آزاد پرداخته و گفته است: « ما هم بین مردم بودیم و در فامیل می‌دیدیم که بچه‌ها می‌روند کنکور می‌دهند و ندرتا قبول می‌شوند. انقلاب فرهنگی که راه افتاد، همین دانشگاه‌ها هم تعطیل شدند. دانشگاه‌ها دو سال تعطیل بود و دیدیم که این وضع یک فاجعه برای کشور است. من در خطبه‌ای در نماز جمعه گفتم که بچه‌های ما الان در حد دیپلم بیرون می‌آیند و بعد هم بیکار می‌مانند. گفتم این جریان فقر و تبعیض که در جامعه هست هر سال عمیق‌تر می‌شود چون عده‌ای ممتاز در داخل و خارج تحصیل می‌کنند و بعد کارهای اساسی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را به دست می‌گیرند و بچه‌های خانواده‌های عادی باید در حد عملگی و کارمند و کاسب بمانند.»

رفسنجانی در ادامه تاکید کرده که: «می‌خواستیم با تاسیس دانشگاه آزاد، این تبعیض را برداریم و به این بچه‌ها میدان درس خواندن بدهیم تا بعد در قشر بالای کشور حضور داشته باشند.»

حمایت فکری و مالی آیت‌الله خمینی از این پروژه به ایجاد نخستین واحدهای دانشگاه آزاد انجامید. دانشگاه آزاد در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شمسی بیشتر سرگرم توسعه کمی خود بود و جوانان علاقمند به تحصیل که امکان جذب و قبولی در دانشگاه‌های سراسری را نداشتند، استقبال گرمی از این فرصت کردند.

ما افزایش روز افزون شهریه‌ها، اعتراض استادان دانشگاه‌های دولتی به نحوه تدریس در این دانشگاه، کیفیت آموزشی غیراستاندارد، خرید زمین و تاسیس پرشتاب واحدهایی از این دانشگاه در نقاط دور افتاده و توسعه نیافته، به انتقادهای جدی از مسئولان آن انجامید و زمزمه انحراف این نهاد از مسیر نظام آموزش عالی را دامن زد.

مسئولان دانشگاه آزاد در سه دهه فعالیت خود با اتهاماتی چون زمین‌خواری، پارتی‌بازی، فروش سوالات کنکور، ارائه مدرک تحصیلی به صاحبان قدرت و دادن کرسی استادی به افراد بی‌صلاحیت روبرو شده‌اند.

دانشگاه آزاد ایران سومین دانشگاه پر جمعیت جهان معرفی می‌شود. آن‌گونه که در ویکی‌پدیا آمده، دانشگاه ایندیرا گاندی در هندوستان و دانشگاه علامه اقبال در پاکستان از این نظر در رده‌های اول و دوم قرار دارند. این در حالی است که در هیچیک از دانشگاه‌های برتر دنیا، شمار دانشجو یا مساحت آن اعتباری علمی و آموزشی محسوب نمی‌شود.

هاشمی رفسنجانی گفته که دانشگاه آزاد، پرافتخارترین و موفقیت‌آمیزترین پروژه جمهوری اسلامی است. مسئولان این دانشگاه در اثبات این مدعا به بودجه پژوهشی، مقالات علمی، ثبت اختراعات و ابداعات، شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی و مجتمع‌های بیمارستانی اشاره می‌کنند. از سوی دیگر عنوان می‌شود که بزرگترین کتابخانه دانشگاهی ایران در دانشگاه آزاد نجف‌آباد دایر است.

دانشگاه آزاد از نظر زمان ریاست یک فرد بر آن نیز واجد رکورد است. در حالی که عمر مسئولیت و مدیریت افراد در نهادهای جمهوری اسلامی گذرا و کوتاه است، رییس آن نزدیک سه دهه بر مسند قدرت ماند. عبدالله جاسبی سرانجام در زمستان سال ۱۳۹۰ جای خود را به فرهاد دانشجو داد. این تغییر با مناقشات سیاسی و جناحی گره خورده بود و به نبرد میان دولت احمدی‌نژاد با گروه هوادار هاشمی رفسنجانی تعبیر شده و همچنان ادامه دارد.

مهرداد درویش‌پور، جامعه‌شناس مقیم سوئد می‌گوید که دانشگاه آزاد توانسته آموزش عالی را همگانی کرده و امتیاز تحصیل عالی را از «الیت طبقه متوسط» به گروه‌های محروم‌تر توزیع کند؛ «با این همه دانشگاه آزاد از نظر کیفی حتی قادر به رقابت با دانشگاه‌های دولتی ایران نیست چه برسد به دانشگاه‌های جهانی.»

درویش‌پور در مورد جذب بیش از سه میلیون جوان جویای تحصیل در دانشگاه آزاد می‌گوید: «نفس تحصیل در ایران، منزلت اجتماعی می‌آورد و از این نظر شاید ادعای آقای رفسنجانی در باره موفق بودن این پروژه اعتبار داشته باشد. اما اگر دانشگاه را محل افزایش دانش و تخصص و موجد تولید و اشتغال بدانیم، نمی‌توانیم از پروژه‌ای موفق یاد کنیم. باید پرسیم که این چند میلیون نفر چقدر کار مربوط به رشته خود به دست آورده و چه آینده روشنی داشته‌اند.»

بسیاری از منتقدان دانشگاه آزاد می‌گویند که تاسیس این مرکز آموزشی به تب مدرک‌گرایی و کمرنگ‌شدن جایگاه تحصیل در جامعه دامن زده و هم‌زمان خیل عظیمی لیسانسیه فاقد مهارت نیز وارد بازار محدود کار کرده است. به عقیده ناظران، بسترهای لازم فرهنگی و اجتماعی برای پذیرش این همه دانشگاه دیده در ایران فراهم نیست. آنها می‌گویند که این دانش‌آموختگان لاجرم با نگاه و انتظارات دیگری به جامعه، همسر، خانواده و سبک زندگی می‌نگرند اما ساختارهای اقتصادی و فرهنگی موجود در ایران ظرفیت پاسخگویی به چنین نیازی را ندارد.

مهرداد درویش‌پور تاکید می‌کند که تحصیل سکوی تحرک طبقاتی نیز هست اما بیکاری گسترده موجب بدبینی و سرخوردگی دانش‌آموختگان می‌شود. او یکی از پیامدهای مثبت تاسیس واحدهایی از دانشگاه آزاد در شهرستان‌های دورافتاده را عبور این مناطق از فرهنگ بسته می‌داند اما تصریح می‌کند که دانشگاه آزاد به دلیل کیفیت نازل آموزشی، شهریه‌های بالا و جذب فرزندان خانواده‌های مرفه، به هدف آغازین خود دست نیافته است.

هاشمی رفسنجانی در دومین اجلاس شورای مرکزی دانشگاه آزاد پرسیده است: «اگر این دانشگاه نبود، چند میلیون فارغ التحصیل آن الان کجا بودند؟ غیر از این که دیپلمه بیکار یا آواره کشورهای دیگر شده باشند، مطمئناً سرنوشت دیگری نداشتند.» منتقدان نیز در مقابل تاکید می‌کنند که جامعه ایران اینک به‌جای دیپلمه‌های بیکار، مملو از ده‌ها هزار کارشناس و دکتر بیکار است که با رشد همه‌ساله میزان فارغ التحصیلان، شانس کمتری برای یافتن کار مناسب دارند و توقعشان نیز از جامعه و متولیان آن به مراتب متفاوت‌تر و بیشتر از دیپلمه‌هاست.